



### کارپنتر و یک «چیز» تازه

جان کارپنتر این روزها در تدارک ساخت نسخه تازه و احیا شده فیلم معروف کلاسیک خود «چیز» است. فیلمساز که از سوی منتقدان لقب استاد ترس و دلهره را گرفته، در گفت‌وگوی جدیدی تایید کرد که مشغول نگارش فیلمنامه این نسخه تازه است. او بدون این‌که درباره جزئیات کار صحبت کند، می‌گوید: «نسخه تازه داستان فیلم سال ۱۹۸۲ را با زبان تازه‌ای تعریف خواهدکرد. قبل از این در سال ۲۰۱۱ فیلم «چیز» دوباره‌سازی شده بود.» / کاردین



### پدر ژیتوی زنده

تام هنکس می‌گوید از بازی در نقش در ژیتو در نسخه جدید «پینوکیو» بسیار خوشحال است. این فیلم تلفیقی از – صحنه‌های زنده و رایانه‌ای خواهد بود و شرکت والت دیزنی وظیفه ساخت آن را به ابرت زمه‌کیس سپرده است. فیلمساز که قبلا با هنکس در «فورست گامپ» کار کرده، بلافاصله او را برای ایفای نقش پدر پینوکیو انتخاب کرد. هنکس هم اعلام کرده از این انتخاب راضی است. / ددلاین



پخش فیلم «نگهبانانی از دیرباز» باعث شده منتقدان از جابه جایی مرزهای گونه علمی – تخیلی بگویند

# نگهبان ۶۰۰۰ ساله!

سینما هر روز که می‌گذرد، برای فیلم‌هایش داستان‌های تازه و البته عجیب و غریبی پیدا می‌کند. شاید به همین دلیل است که منتقدان می‌گویند خداً آخر و عاقبت محصولات سینمایی را به خیر کند! نمونه نوآوری‌های عجیب و غریب صنعت سینما، همین «نگهبانانی از دیرباز» است که داستانی به‌شدت غریب و

غیرقابل باور دارد. اما به نظر می‌رسد که از این به بعد باید منتظر داستان‌هایی از این دست روی پرده سینما بود. برای تهیه‌کنندگان، فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان گونه علمی – – تخیلی همیشه جای خوبی برای بیان داستان‌ها و ماجراهایی عجیب و غریب و غیرقابل باور بوده است. حال و هوای این‌گونه سینمایی فرصت خوبی برای سازندگان فیلم‌های آن فراهم می‌کند تا تماشاگران خود را به دنیا‌هایی غیرقابل تصور ببرند و موضوعاتی را به نمایش بگذارند که

در نگاه اول اصلا مورد قبول و پذیرش عموم مردم نیستند. با توجه به استقبال تماشاگران از فیلم‌های با حال و هوای عجیب و غریب و غیرقابل باور، می‌توان انتظار داشت که در سال‌های پیش‌تر تعداد بسیار بیشتری فیلم در این حال و هوا تهیه و تولید شود. نگهبانانی از دیرباز شارلیز ترون، بازیگر آفریقایی تبار و فیلم‌های آن فراهم می‌کند تا تماشاگران خود را به دنیا‌هایی علمی – تخیلی آینده‌نگرانه و ابرقهرمانانه را چینا پرینس

گفت‌وگوی هالیوود ریپورترز با شارلیز ترون

## منتظر قسمت بعدی هستم

کمتر بازیگری را این روزها می‌توان پیدا کرد که هم فیلم‌های اکشن و تماشای پسند بازی کند و هم در دام‌های اجتماعی و غیرمتعارف ظاهر شود. زمانی که منتقدان حضور بازیگر در هر دو نوع سینما را تایید کنند، هنرمند بودن این بازیگر بیشتر مشخص می‌شود. در بین بازیگران جوان و موفق سینما، شارلیز ترون یکی از آن معدود هنرمندانی است که در این گروه جای می‌گیرد. به قول منتقدان، بازیگران زیادی هستند که می‌خواهند در این فهرست قرار گیرند، اما موفقیت با این گروه از بازیگران همراه نیست. نمونه‌اش تام کروز است! شارلیز ترون در حالی که با بازی جذابش در دام سیاسی و افشاگرانه «بمب خیری» نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر زن از مراسم مختلف سینمایی شد، با «نگهبانانی از دیرباز» و چه دیگری از توانایی‌هایش را به نمایش می‌گذارد. او توضیح می‌دهد که داستان گرافیکی گرگ‌روکا را اولین بار سال ۲۰۱۷ زمانی که مشغول بازی در اکشن جاسوسی «موتلایی اتمی» بود، مطالعه کرد و بعد از خواندن چند صفحه اول آن احساس کرد که بسیار این داستان را دوست دارد و علاقه‌مند به بازی در نسخه سینمایی احتمالی آن است. در عین حال، به این نکته جالب و مهم هم اشاره می‌کند که تمام بدلکاری‌های فیلم را هم خودش انجام داده و در صحنه فیلمبرداری خبری از بدلکار نبوده است. البته ترون صادقانه به این موضوع هم اشاره می‌کند که تقریباً تمام بازیگران محوری فیلم، بدلکار خودشان بودند!

کار با یک فیلمساز زن چگونه بود؟

همیشه زمانی که یک خانم پشت دوربین فیلمبرداری قرار می‌گیرد، این پرسش مطرح می‌شود! فکر نمی‌کنم تفاوتی بین فیلمساز زن یا مرد وجود داشته باشد. نکته اصلی توانایی انجام این کار است و نه جنسیت کارگردان. یک فیلمساز زن می‌تواند کارگردان بدی باشد، همان‌طور که در مورد یک فیلمساز مرد هم می‌توان این جمله را تکرار کرد. اما چون نسبت به کار هنرمندان زن حساسیت وجود دارد، آنها بیشتر از بقیه زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند. در رابطه با پرینس بیتوون آن چه مرا بیشتر کنجکاو کرد این بود که ساخته‌های قبلی‌اش درام‌هایی اجتماعی و خانوادگی بودند. «عشق و بسکتبال» و «راز زندگی زنهورها» یش را دیده بودم و تعجب کردم که برای کارگردانی اکشن پرزدو خورد و علمی – تخیلی چون نگهبانانی از دیرباز انتخاب شده است. اما او کارش را بسیار خوب و فوق‌العاده انجام داد و نشان داد که می‌توان

به خانم‌های فیلمساز اعتماد کرد و پروژه‌های سنگین و گران قیمت را به‌دست‌شان سپرد.

زمان بازی در فیلم

فکر می‌کردید صاحب قسمت‌های بعدی شود؟

کیکاووس زیاری

سینمای جهان

بازی و حضور در نگهبانانی از دیرباز چه تفاوتی با دیگر فیلم‌هایتان داشته است؟

برای من به‌عنوان یک هنرمند زن، بسیار قابل توجه بود که تعداد بسیار زیادی از عوامل تولید فیلم را خانم‌ها تشکیل می‌دادند. البته من به‌جز بازی در فیلم، یکی از تهیه‌کنندگان‌اش هم بودم و برایم باعث افتخار است که بگویم خانم‌ها سهم بسیار زیادی در ساخت و موفقیت آن داشته‌اند. برایم می‌شوم که بیشتر از خانم‌های هنرمند با آقایان هنرمند کار و همکاری کردم. این عادلانه نیست، به همین دلیل، برایم بسیار مسرت‌بخش بود که سر صحنه فیلمبرداری فیلمی ظاهر می‌شدم که دوروبرم پر از خانم‌های فعال بود و این جمعیت زنان بود که مرا احاطه کرده بودند. آنها فقط تعدادی خانم نبودند. آنها خانم‌های هنرمند و مستعدی بودند که به کارشان عشق می‌ورزیدند.

پس فیلم را انرژی مضاعفی بازی کردید؟

با یک انرژی متفاوت! باید بگویم نگهبانانی از دیرباز فیلمی زن محور بود که اکثریت عوامل تولیدش را خانم‌ها تشکیل می‌دادند. شما چلو و پشت دوربین زنان مستعد و علاقه‌مندی را می‌دید که کارشان را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دادند و بسیار جدی و مصمم بودند. البته بسیار هم سخت بود. فکر کنم موفقیت فیلم همه ما را به این فکر وامی‌دارد که فشار بیشتری به صنعت سینما و شرکت‌های فیلمسازی وارد کنیم که در فیلم‌هایشان از تعداد بیشتری هنرمند مستعد خانم استفاده کنند. این کار حتماً تاثیر مثبت خودش را در محصولی که آماده نمایش روی پرده سینما می‌شود، نشان خواهد داد. من به نوبه خودم این فشار را به همکارانم خواهم آورد، ضمن این‌که این نوع داستان‌گویی هم باید ادامه پیدا کند.

در جایی گفته بودید مایل هستید ریحانا هم در قسمت بعدی نگهبانانی از دیرباز بازی داشته باشد. جدی گفته بودید؟

بله، آخرمدیر برنامه هر دوی مایک نفر است! دوستانی قدیمی هستیم و مدتی قبل من این نکته را به صورت شوخی در یک جمع بیان کردم، اما از شوخی گذشته، خیلی دوست دارم او هم نقشی در دنباله فیلم داشته باشد. هنرمند خوبی است و کارش را با جدیت انجام می‌دهد.

از ابتدای اختراع سینما و صنعت فیلمسازی، گونه علمی – تخیلی جایگاه ویژه و خاصی در بین فیلمسازان و تماشاگران داشته است. از کلاسیک‌هایی چون «سفر به ماه» در روزهای ابتدایی سینما تا به امروز، همواره فیلم‌هایی تولید

و در معرض دید تماشاگران قرار گرفته که در این‌گونه تهیه شده‌اند. البته هالیوود همیشه پیشساز تولید این‌گونه فیلم‌ها بوده و بهتر از هر صنعت فیلمسازی دیگری توانسته در ساخت این نوع فیلم‌ها موفق عمل کند. در کنار توان بالای مالی (که برای تولید این نوع فیلم‌ها جزو ضرورت اصلی به‌دولایه به‌حساب می‌آید)، هالیوود تکنیسین‌های این‌کار را نیز دارد. با کمک همین تکنیسین‌های توانمند است که هر روز فیلم‌های تازه‌ای ساخته می‌شود که گونه علمی – تخیلی را وارد وادی و حیطه جدیدی کند.

سینمای ایران هم از دیرباز به دنبال تولید فیلم‌هایی از این دست، در حد امکان و توانایی‌هایش بوده است. تلاش هنرمندان ایرانی در این رابطه، البته به نتایج درخشانی نرسیده است، اما همین تلاش‌های اندک حکایت از علاقه‌مندی هنرمندان برای کسب تجربه‌های تازه در این‌گونه سینمایی می‌کند. اگر مصفا‌نه به ماجرا نگاه کنیم، نمی‌توانیم تقصیر را به‌کردن هنرمندان داخلی ببندازیم. بانگ‌اهی به‌انبوه تولیدات سینمایی در قاره‌ها و کشورهای دیگر، متوجه‌این واقعیت می‌شویم که سهم‌گونه علمی – تخیلی در تولیدات بسیاری از کشورهای

جهان (و به‌ویژه اروپا که بهترین تخصص سینمایی را بعد از هالیوود دارد) همچنان اندک و ناچیز است.

سینمای قبل از انقلاب که بخش اعظم تولیداتش اختصاص به‌کلاه‌مخملی‌های جاهل و درام‌های اشک‌آور داشت، فیلمی چون «شب‌نشینی در جهنم» را داشت که استفاده بسیار زیادی از حقه‌های سینمایی کرده بود و تروک‌های بسیاری داشت. این درام خانوادگی داستان مرد ثروتمند خسیسی را تعریف می‌کرد که سر از جهنم درمی‌آورد و متوجه رفتارهای

وفاداری به قصه

زمانی که مارس ۲۰۱۷ بحث تولید فیلم مطرح شد، نزدیکان مدیران شبکه نتفلیکس نسبت به موفقیت فیلمی با این داستان و حال‌وهوا ابراز تردید کردند. فیلمنامه بانگ‌اهی به یک داستان مصور مضحک قلمی اثر گرگ روکا نوشته شده بود. شرط روکا برای تولید نسخه سینمایی از داستانش این بود که سازندگان فیلم کاملاً به این داستان و شخصیت‌هایش وفادار بمانند. مدیران نتفلیکس که سخت‌شيفته داستان روکا شده بودند، چند ماه بعد جینا پرینس بیتوود را به‌عنوان کارگردان نسخه سینمایی انتخاب کردند. با این کار رسانه‌های گروهی متقاعد شدند که نگهبانانی از دیرباز در دستور تولید و ساخت قرار گرفته است. نتفلیکسی‌ها برای اطمینان خاطر گرگ روکا، او را مسئول نگارش فیلمنامه کردند تا بعدها اعایی را در رابطه با وفاداری به داستان مطرح نکند! با هزینه ۷۰ میلیون دلاری که برای تولید فیلم در نظر گرفته شد، پرینس بیتوود تبدیل به اولین فیلمساز زن سیاه‌پوستی شد که وظیفه کارگردانی یک اکشن کمیک استریتی پر هزینه و گران قیمت را به‌عهده می‌گیرد. شرکت مستقل فیلمسازی اسکای دنس که به این پروژه علاقه‌مند شده بود، در تولید فیلم مشارکت کرد. شارلیز ترون برای بازی در نقش اصلی دعوت به همکاری شد و او که قبل از آن در اکشن سطح بالایی چون «مکس دیوانه» ظاهر شده بود، احساس کرد نگهبانانی از دیرباز هم می‌تواند موفقیت این فیلم را برایش تکرار کند. نکته جالب این‌که هیچ‌یک از صحنه‌های فیلم در خاک آمریکا فیلمبرداری نشد. به‌جز مراکش (که صحنه‌های مربوط به افغانستان و سودان در آنجا گرفته شد)، چند شهر اروپایی مکان‌های اصلی فیلمبرداری بودند. استودیوی قدیمی شیرتون انگلستان هم میزبان بخش مهمی از سکانس‌های فیلم بود. به دنبال پخش اینترنتی نگهبانانی از دیرباز، مدیران نتفلیکس اعلام کردند بیش از ۷۲ میلیون نفر در چهار هفته اول پخش فیلم به تماشای آن نشست‌اند. در تاریخ فیلمسازی این شبکه، این اکشن علمی – تخیلی لقب چهارمین اثر پر بیننده نتفلیکس را از آن خود کرد. با توجه به پایان تعلیقی فیلم، منتقدان حدس زدند نتفلیکس علاقه‌مند به ساخت دنباله‌هایی بر آن است. روکا، نویسنده داستان کمیک استریتی نگهبانانی از دیرباز می‌گوید: «این جور داستان‌ها همیشه جایی برای دنباله‌دار شدن از خودشان به جامی گذارند. اگر مدیران نتفلیکس از من ادامه داستان را بخواهند، آماده نوشتن آن هستم.» روکا در حالی چنین چیزی را می‌گوید که سال گذشته میلادی، داستانی در ادامه داستان نسخه اصلی نوشته و منتشر شد. این داستان گرافیکی هم مورد استقبال معامت کتابخوان قرار گرفت و در فهرست پخواننده‌ها و پرفروش‌های دنیای کتاب جای گرفت.

دست خالی سینمای ایران در گونه علمی – تخیلی

## من تخیل را دوست ندارم!

غلط خود می‌شود و توبه می‌کند. برای سینمای فقیر دهه ۴۰ شمسی ایران، جلوه‌های ویژه این فیلم نوعی انقلاب به حساب می‌آمد.

در سینمای بعد از انقلاب، گونه علمی – تخیلی در سال‌های

بعد از جنگ است که امکان خودنمایی پیدا می‌کند. در سال‌های جنگ فیلم‌های ایرانی در کنار تعریف داستان‌های جنگی، بیشتر به دنبال درام‌های خانوادگی بودند. در سال‌های بعد از جنگ است که گونه‌هایی چون کم‌دی و علمی – تخیلی، فرصتی برای ابراز وجود پیدا می‌کند. تهمینه میلانی را باید جزو معدود فیلمسازانی دانست که روی خوشی به‌گونه علمی – تخیلی نشان داد. او قبل از ساخت فیلم‌هایی با محوریت زنانه و دفاع تمام‌قد از نسلوان، با کارگردانی فیلم‌هایی چون «دیگه چه خبر» و «کاکادو» در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۳، نمونه‌هایی از فیلم‌های فضایی و علمی – تخیلی را به تماشاگران ارائه کرد. هر دو فیلم با‌خورد خوبی در جدول گیشه نمایش داشت. دیگر همکار زن این خانم فیلمساز فریال بهزاد هم در اولین ساخته‌های سینمایی‌اش «اکالکی» (براساس داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی)، «دره شاپرک‌ها» و «مرد نامرئی» (در سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۴، نمونه‌های دیگری از فانتزی‌های علمی – تخیلی را ارائه داد. زمانی که به ساخته‌های علمی – تخیلی ابوالحسن داوودی «من زمین را دوست دارم» و «سفر دوازدهمی» در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۳۷۲ نگاه می‌کنیم، متوجه دونکته مهم می‌شویم؛ اول این‌که تمام این فیلم‌ها محصول سینمای کودک و نوجوان هستند و لحن بزرگسالانه ندارند و نکته دوم این‌که، این فیلم‌ها خاص یک دوره زمانی مشخص در اوایل دهه ۷۰ شمسی هستند که جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان اصفهان با موفقیت برگزار می‌شد. بعد از این دوره زمانی، کمتر فیلمی (چه برای بزرگسالان و چه برای کودک و نوجوان) تولید می‌شود که از چنین حال و هوایی برخوردار باشد.

